



۲۰۱۸/۰۷/۲۹

گل رحمان فراز

تیشه بُرنده ارگ و گردن کج دوستم!

باید اعتراف کرد که عبدالرشید دوستم سیاست مدار عصر جدید نیست. دوستم نمی تواند با تأملات فعلی سیاسی آمیزش کند و به بازی های تکنوکراتی سازش نشان دهد. دیگر فرصت تغذیه از نوک تفنگ گذشته است و بدبختانه جنرال مملکت از سیاست/رقابت قلم دور است.

عدم درک درست از وضعیت، گزینش اوضاع مطابق به منفعت مؤقتی و خوش باوری بی حد وی باعث شده است تا چندین سال دیگر از سیاست جاری کشور دور بماند و جایگاه مردمی اش در بین مردم ترک تبار کشور به صفر سقوط داده و دیگر رهبر مردمی نباشد.

تعریف نادرست عبدالرشید دوستم از دشمن و دوست به نزول وی کمک می کند. او تا حالا نمی داند که کی به اساس استفاده از نفوذ وی با وی دوست است و کی برای چه با وی سر دشمنی را گرفته است. این حالت باعث می شود تا حامیان فهمیده وی خود را از این کاروان دور نمایند و جانب دیگری را برای پیشبرد امورات (امور) برگزینند.

حضور دوباره در کشور و استقبال از تصمیم ارگ مبنی بر اجازه ورود وی و شروع به کار کردنش مرگ تدریجی است و بیشتر نقش وی را در بین حامیانش کمرنگ خواهد کرد.

از آنجا که طرفداران آقای دوستم انتخابات را در چندین ولایت شمال تحریم کرده، توجه جامعه جهانی و امریکا را معطوف عملکرد و نقش زنده دوستم در شمال کرده اند و از آنجایی که درد فروپاشی، اکثر نقاط کشور را به خود می گرفت و ارگ این زلزله ها را نقاط آغازین فروپاشی می دانست، برای آقای دوستم زبینه این بود که در موقف خود با شرکای سیاسی اش (ائتلاف نجات) یکجا اعلان می نمود و نباید موقف فعلی معاونیت نخست ریاست جمهوری را از این بیشتر می پذیرفت.

اینگونه اعلام موجودیت به وی کمک می نمود تا اقتشار میلیونی را در پرتو حرکتش جمع نموده و با طرح راهبردی (ستراتژی) تحولات سیاسی، آینده کشور را که همانا انتخابات ریاست جمهوری است رقم بزند. حالا که موقع بر آن رسیده است تا بار دیگر دولت از فروپاشی نجات یابد، ارگ می خواهد تا با این معامله اش، سر دوستم را بار دیگر به قمار دل آویز ریاست جمهوری آینده جلب دارد و از دوستم فرصت های رهبر شدن آینده را بر باید.

تا حال مردم دوستم را به خاطر رُک و پوست کنده بودنش دوست داشتند، طرف خاص سخنان وی مردم عوام بودند و به خاطر طرز بیان ساده اش او را دوست داشتند. او در نهایت می کوشید تا برای مردمش راست باشد و راست بگوید ولی ارگ قبل از قبل وی را از راست گفتن منحرف کرد و با آمدنش سخن را با دروغ آغاز نمود گویا که مریض بوده است و بعد از تداوی دوباره برگشته است.

از دوستم نمی شود به حیث رهبر با تفکر یاد کرد. او در واقعیت شخصیتی است که بعد از ۱۴ ماه شکنجه تبعید در بیرون از کشور از طرف ارگ باز هم خوشبین سیاست واپسین و امیدوار تغییر در روند سیاست مداری صاحبان ارگ گردیده است تا لطف ایشان در دقیقه نود نصیب معاون اول شده و مستفید مزایا گردد.

خطاب قرار دادن حامیان و طرفداران دوستم مبنی بر پایان دادن اعتراضات و تظاهرات می تواند موجب کاهش انگیزه مردم جهت اشتراک در جنبش های حق خواهی آینده گردد. دوستم می بایست تا روند اختتام اعتراضات را غیر قابل کنترل جلوه می داد و در برابر هر اقدام عدالت خواهانه از ارگ باج، مزد و سهم می گرفت.

شکی نیست که جنرال دوستم مشاورین دانشمند و رهنما های فهمیده، بسیار دارد ولی ایده دانایی خود وی نمی تواند سخنی پند آمیز کسی را در امورات (امور) تصمیم گیری اش بشنود و مطابق آن عمل کند.

حالا قیضه اسپ جنرال دوستم در گرو و انحصار کُلی ارگ نشینان قرار دارد و الی برگزاری انتخابات آینده ریاست جمهوری می توانند کنترل حرکت و توقفش را داشته باشد و به هر سمت و سو حرکت دهند. با مهر ۲۰۱۸/۰۷/۲۴

